سخنرانی جناب آقای دکتر سلطانیه

سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

در مورد اجرای موافقتنامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران

۹ آذر ۱۳۹۱ (۳۰ نوامبر ۲۰۱۲)

بسم ا... الرحمن الرحیم

آقای رئیس، همکاران محترم

خود را موظف می دانم که قدردانی خود را از حمایت دائمی و اساسی جنبش عدم تعهد در دهه اخیر در خصوص دفاع از حق مسلم ایران برای استفاده صلح آمیز انرژی هسته‌ای را ثبت نمایم. تلاش این جنبش برای صلح و خلع سلاح و برای ایجاد عدالت از طریق مساعدت با ارزشش به سازمانهای بین المللی، همان طور که در گذشته متذکر شدم، یک رکورد بی سابقه و یک فصل طلایی را در تاریخ جنبش عدم تعهد به ثبت رسانده‌است.

از زمانی که آژانس به موضوع هسته‌ای ایران که توسط برخی کشورهای غربی سیاسی شده، پرداخته‌است یک دهه می گذرد. به منظور تغییر روش سنتی که طی آن صرفاً به گزارشات مدیرکل می پرداختم و در مورد بعضی از سخنرانی های تعدادی از کشورهای غربی که معمولا تحریک آمیز هستند ابراز نظر می کردم، تصمیم گرفتم رویکردی ابتکاری را در پیش گیرم.

اینجانب بیش از پنجاه سوال که بیشترین ارتباط را با سیاست و فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارد و معمولا مورد نظر برخی کشورهای عضو یا عموم مردم هستند را جمع‌آوری نموده و تلاش کرده‌ام بر اساس اسناد حقوقی، بیش از ۳۰ گزارش مدیرکل و واقعیت‌های در صحنه به این سوالات پاسخ دهم. بر اساس اطلاعات واقع گرایانه که در پاسخ به این ۵۰ سئوال آورده شده ی، تردیدی باقی نیست که پرونده (هسته ای ایران) بایستی فورا بسته شود و اجرای پادمان، عادی گردد. این تنها راهی است که ایران را تشویق می کند انعطاف بیشتری در اتخاذ گامهای داوطلبانه بردارد.

در میان آنها، چندین سوال اساسی و روشن وجود دارد :

۱-(با یادآوری ادعاهای بی اساس آمریکا در مورد عراق)، آیا آژانس پس از ۷۵۰۰ نفر-روز بازرسی در ایران که در تاریخ این نهاد بی سابقه است، سلاح هسته‌ای یا نشانه‌ای از انحراف حتی یک گرم اورانیوم به سمت مقاصد نظامی یافته‌است؟

پاسخ این سوال منفی است.

۲- چرا پرونده هنوز باز است؟

زیرا برخی کشورهای غربی بویژه آمریکا به بهانه موضوع هسته‌ای ایران و ادعاهای ابعاد نظامی احتمالی برنامه ایران، می خواهند وظایف و اختیارات آژانس بین المللی انرژی اتمی را از نظام پادمان فنی مبتنی بر مواد

هسته‌ای به نظام پادمان مبتنی بر اطلاعات سرویس‌های اطلاعاتی تغییر دهند تا بدین ترتیب بتوانند به قلمرو امنیت ملی کشورهای عضو، بویژه کشورهای در حال توسعه، بدون هیچ محدودیتی وارد شوند. باید توجه داشت که کشورهای اصلی که در پی این دستور کار پنهانی هستند، خود از چنین مداخلات امنیتی تاثیر نمی پذیرند زیرا آنها تحت پوشش پادمان جامع آژانس قرار ندارند.

۳- آیا دخالت شورای امنیت سازمان ملل در امور فنی آژانس، تصویب قطعنامه و اعمال تحریم ها علیه ایران موثر بوده‌است؟

پاسخ منفی است. تحریم‌ها، تهدید به حمله علیه تاسیسات هسته‌ای و ترور وحشیانه دانشمندان هسته‌ای فقط عزم ایران را برای دنبال کردن فعالیت‌های هسته‌ای شامل غنی سازی، راسخ تر کرده‌است و ملت شریف ایران را در حفاظت از حق انکار ناپذیر خود بر اساس پیمان عدم اشاعه هسته‌ای و اساسنامه آژانس متحد تر ساخته‌است. گزارش های مدیرکل شامل آخرین گزارش وی این موضوع را اثبات می کند.

۴- آثار و عواقب فوری ادامه چنین روندی که انگیزه های سیاسی دارد، چیست؟

الف) لطمه به مشروعیت شورای امنیت سازمان ملل و قطعنامه‌های آن، زیرا ایران قطعنامه‌های مربوط به خود را به دلیل فقدان مبنای حقوقی آنها به مرحله اجرا در نخواهد آورد.

ب) قطب بندی و سیاسی شدن بیشتر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بویژه شورای حکام آژانس

پ) آسیب جدی به پیمان عدم اشاعه هسته‌ای و جهان‌شمولی آن، زیرا ایران هزینه فراوانی برای عضویت در این معاهده می پردازد در حالی که کشورهای غیر عضو از نظارت آژانس مستثنی شده و با هیچ تحریم یا فشار سیاسی نیز مواجه نیستند.

ت) دلسرد کردن کشورهای در حال توسعه برای پیوستن یا تصویب معاهده های مشابه نظیر معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای

۵- چرا مذاکرات میان آژانس و ایران برای توافق در مورد رویکرد ساختاری تاکنون به نتیجه نرسیده‌است؟

الف) خودداری مدیرکل از اشاره به ساز و کار قبلی در مورد حل و فصل مسایل باقیمانده از جمله مطالعات ادعایی، سند INFCIRC/711 که از سوی مدیرکل قبلی با ایران مذاکره و توافق شده و به تصویب شورای حکام نیز رسیده بود.

ب) مدیر کل با قرار دادن متن مورد موافقت تیم های مذاکراتی در مورد موضوع مهم تحویل اسناد ادعایی به ایران در براکت، مانع توافق شده‌است تا بدین ترتیب برای آینده کارت چانه زنی داشته باشد.

پ) در بحبوحه مذاکرات طرفین در تهران برای نهایی کردن متن، مدیر کل با درخواست همزمان از ایران برای فراهم ساختن دسترسی به سایت نظامی پارچین، همه را شگفت زده کرد. ایران به تیم آژانس اطلاع داد که پس از نهایی شدن موافقت نامه مربوط به رویکرد ساختاری، دسترسی به سایت مذکور را فراهم ساخته و بازرسی از پارچین حتی به فاصله یک هفته می توانست انجام شود. اما مدیر کل موافقت نکرد و بیانیه‌ای نیز منتشر نمود که ایران مانع از دسترسی به سایت پارچین شده‌است و بدین ترتیب موضوعی که بطور حرفه‌ای از سوی تیم آژانس و ایران در حال بررسی و توافق بود، به مطبوعات کشیده شد و تبدیل به مساله‌ای سیاسی گردید که در کوچه و خیابان به بحث گذاشته شد و فضای مثبت گفتگوها را به مخاطره انداخت.

ت) ایران تیم آژانس را برای دور بعدی گفتگوها در روز ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ به تهران دعوت کرد. آژانس از این امر استقبال نمود و انتظار می رفت که مدیر کل، شورای حکام را در نشست ماه سپتامبر و در جریان سخنرانی افتتاحیه خود از این موضوع مطلع سازد، اما وی از این کار خودداری کرد. در مقابل گام مثبت ایران، قطعنامه دیگری علیه آن به تصویب رسید.

ث) بلافاصله پس از آنکه من مجدداً آمادگی ایران برای پذیرش تیم آژانس را در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۲ اعلام کردم، مدیر کل آژانس در بغداد مصاحبه‌ای در خصوص پارچین کرد. این امر مشکلات سیاسی جدی برای کسانی که به دنبال رویکرد همکاری با آژانس بودند، ایجاد نمود که این امر شامل تیم ایرانی مسئول مذاکرات نیز گردید.

ج) قطعاً سخنرانی افتتاحیه امروز مدیرکل، اقدامی مفید برای گام مشترک بعدی میان دو طرف نبود. همانطور که من در مواقع و مناسبت های مختلف گفته‌ام دبیرخانه باید پس از پایان راستی آزمایی حرفه‌ای، گزارش خود را منتشر سازد. گمانه زنی های مبتنی بر اطلاعات ارائه شده از سوی سرویس های جاسوسی و تصاویر ماهواره‌ای، در موارد گوناگون به اعتبار حرفه‌ای آژانس آسیب زده‌است.

چ) مدیر کل در گزارش دیروز خود پیرامون فعالیت‌های ادعایی در مجاورت سایت پارچین مطالبی را بیان کرد. او مدعی شد :" این فعالیتها توانایی آژانس در راستی آزمایی موثر سایت مذکور را بطور جدی تضعیف خواهد نمود." این اظهارات تردید جدّی در مورد قصد و ضرورت بازدید از پارچین ایجاد می کند. یاد آوری می کنم که در مورد حمله اسرائیل به کشور سوریه مدیر کل به جای درخواست اطلاعات از متجاوز، اصرار دارد که آژانس از سایت، هر چند که بمباران شده، بازدید نماید است. در این ورد مدیر کل ادعا نمی کند راستی آزمایی آژانس به دلیل بمباران تضعیف گشته است. بی شک، چنین اظهارات متناقضی منجر به تنش سیاسی شده و مانعی جدّی برای نهایی کردن فرآیند مذاکرات در مورد اتخاذ رویکردی ساختاری خواهد بود. بنابراین ایران نباید برای این تاخیر مورد شرزنش قرار گیرد.

۶- آیا هیچ راه حلی برای بن بست کنونی وجود دارد؟

پاسخ مثبت است. طرف‌های ذیربط باید این واقعیت را بپذیرند که ایران بر فن آوری غنی سازی تسلّط یافته و هزینه های سنگینی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی پرداخته‌است و بنا بر این با توجه به آنکه فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیزش کاملا تحت پادمان آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار دارد، هرگز مجدداً این فعالیت‌ها را تعلیق نخواهد کرد.

آقای رئیس،

من به دلیل کمبود وقت فقط تعدادی از پرسش و پاسخ‌ها را می خوانم، با این فرض که متن حاوی سایر سوالات و جواب ها در اسناد مربوط به نشست شورای حکام قرار گیرند. بقیه پرسش و پاسخ ها در خصوص فعالیت‌ها و سیاست هسته‌ای ایران به شرح زیر می باشد:

پرسش ۱ : چرا ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست؟

پاسخ: موارد ذیل برجسته ترین دلایل هستند:

- بر اساس فتوای رهبر معظم ایران، همان طور که به روشنی در سخنرانی افتتاحیه شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران در تاریخ ۳۰ اوت ۲۰۱۲ منعکس شد، ایشان اعلام داشته: "*اینجانب تأکید میکنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملّت خود در استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس» است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و میدانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده‌ی عدم اشاعه، به سود همه کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.*" همچنین اعلام شده: "*جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیائی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی میداند. ما شعار «خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگونِ حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اِعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند. چند کشور غربی که خود دارنده‌ی سلاح هسته‌ای و مرتکب این کار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار*

خود نگه دارند. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکزی با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه‌ی چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند."

- علی رغم برخورداری از توانایی فنی و علی رغم داشتن یکصد هزار قربانی به دلیل حملات صدام که با استفاده از عوامل شیمیایی مرگبار، ایران به دلیل تعهدات مذهبی و اخلاقی، از هیچ عامل شیمیایی استفاده نکرد.
- ایران بر اساس احترام متقابل و برابری، مشغول مذاکره با کشورهای ۵+۱ می باشد که مشتمل بر ۵ کشور دارنده سلاح هسته‌ای است. اگر به فرض، ایران تصمیم به تولید سلاح هسته‌ای بگیرد، قادر نخواهد بود با کشورهای هسته‌ای که بالغ بر ۲۰۰ هزار کلاهک هسته‌ای در اختیار دارند، رقابت نماید. لذا از لحاظ تعداد سلاح هسته‌ای، ایران در تعاملش با ۵ قدرت هسته‌ای، در موضعی پایین تر و ضعیف‌تر خواهد بود و بر خلاف وضعیت فعلی، دیگر در موقعیت برابری قرار نخواهد داشت لذا رفتن به دنبال سلاح هسته‌ای، یک اشتباه راهبردی برای ایران خواهد بود.
- - تجربیات دهه‌های گذشته ثابت کرده که سلاح هسته‌ای، استفاده‌ای ندارد و حتی موجب آسیب پذیری خواهد شد.

پرسش ۲: چرا ایران به دنبال فنآوری هسته‌ای است؟

پاسخ: فناوری هسته‌ای نقطه تلاقی شاخه های مختلف علوم پیشرفته و با معیار بالا می باشد. کار در عرصه نیروگاههای هسته‌ای یا سار کاربریهای هسته‌ای، مستلزم کارشناسانی با مهارتهای بالاست لذا با توجه به حساسیت به کار گیری انرژی هسته‌ای بویژه از حیث ایمنی و امنیت، دانشگاهها بایستی نسل جدیدی با استانداردهای بالا را آموزش دهند. به این ترتیب فناوری هسته‌ای، کشور را به سوی یک کشور پیشرفته سوق می دهد.

پرسش ۳: آیا آژانس هیچ فعالیت و مواد هسته‌ای، که ادعا می شود توسط ایران اعلام نشده، یافته که به سوی فعالیت‌های نظامی منحرف شده‌باشد؟

پاسخ: خیر. همان طور که در گزارشات مدیران کل آژانس به شورای حکام از سال ۲۰۰۳ تا کنون منعکس شده، همه موارد به دنبال اعلام ایران، مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند.

پرسش ۴: آیا بعد از بالغ بر ۷۵۰۰ نفر-روز از شدیدترین بازرسی‌ها در ایران، آژانس حتی یک گرم اورانیوم یافته که به سوی مقاصد نظامی منحرف شده باشد؟

پاسخ: خیر. مراجعه شود به همه گزارشات ارائه شده به شورای حکام از سوی مدیر کل قبلی و فعلی آژانس و نیز به گزارشات سالانه اجرای پادمان (SIR).

پرسش ۵: آیا ایران هیچ الزام حقوقی برای اعلام سایت کارخانه غنی سازی نطنز قبل از سال ۲۰۰۳ داشت؟

پاسخ: خیر. از آنجا که هیچ مواد هسته‌ای تا سال ۲۰۰۳ به کارخانه غنی سازی نطنز وارد نشده لذا با در نظر داشتن اینکه ایران تا سال ۲۰۰۳ کد اصلاحی ۳/۱ ترتیبات فرعی موافقتنامه پادمان جامع را امضاء نکرده بود، الزامی به اعلام این سایت نداشت.

پرسش ۶: آیا ایران هیچ الزام حقوقی به اعلام راکتور تحقیقاتی آب سنگین در اراک (IR40) قبل از سال ۲۰۰۳ داشته‌است؟

پاسخ: خیر. هنوز مواد هسته‌ای به IR40 وارد نشده بود لذا با در نظر داشتن اینکه ایران تا سال ۲۰۰۳ کد اصلاحی ۳/۱ ترتیبات فرعی موافقتنامه پادمان جامع را امضاء نکرده بود، الزامی به اعلام آن نداشت.

پرسش ۷: آیا ایران ذیل موافقتنامه پادمان جامع خود الزامی داشت راجع به کارخانه تولید آب سنگین خود، به آژانس گزارش دهد؟

پاسخ: خیر. آب سنگین و کارخانه تولیدش، تحت پوشش موافقتنامه پادمان جامع قرار ندارند لذا ایران الزامی به انجام این کار نداشت.

پرسش ۸: آیا ایران تا سال ۲۰۰۳ هیچ الزام حقوقی به اعلام تاسیسات تبدیل اورانیوم (UCF) داشت؟

پاسخ: خیر، از آنجا که مواد هسته‌ای تا سال ۲۰۰۳ به UCF وارد نشده بود لذا با در نظر داشتن اینکه ایران تا سال ۲۰۰۳ کد اصلاحی ۳/۱ ترتیبات فرعی موافقتنامه پادمان جامع را امضاء نکرده بود، الزامی به اعلام آن نداشت.

پرسش ۹: آیا ایران قبل از سال ۲۰۰۳ هیچ الزام حقوقی به اعلام معادن اورانیوم از جمله گچین و ساغند داشت؟

پاسخ: خیر زیرا تا سال ۲۰۰۳ ایران پروتکل الحاقی را امضاء و اجرا نکرده بود.

پرسش ۱۰: آیا آژانس دسترسی به سایت‌های نظامی ایران داشته‌است؟

پاسخ: آری. ایران به سایت های نظامی مورد درخواست آژانس دسترسی داده‌است و آژانس در جریان بالغ بر ۳۰ بازدیدش، نمونه برداری‌هایی را از این سایت‌ها انجام داده‌است. نتایج تجزیه و تحلیل‌ها هم ثابت کرد که هیچ نشانه‌ای از مواد و فعالیت‌های هسته‌ای در این سایت‌ها وجود نداشته‌است. (بند ۴۹ سند GOV/2005/67، بند ۱۶ سند GOV/2005/87 و بندهای ۳۲ و ۵۲ سند GOV/2006/15).

پرسش ۱۱: نتیجه بازرسی‌ها از سایت‌های نظامی چه بود؟

پاسخ: مدیر کل سابق گزارش داد که هیچ نشانه‌ای از مواد و فعالیت هسته‌ای یافت نشد. (بندهای ۴۱ و ۴۹ سند GOV/2005/67، بند ۱۶ سند GOV/2005/87، بندهای ۳۲ و ۵۵ سند GOV/2006/15). بنا بر این معاون سابق مدیر کل در موضوع پادمان اعلام داشت: "*پارچین بخشی از تاریخ است.*"

پرسش ۱۲: آیا اجازه دسترسی آژانس به پارچین داده شده‌است؟

پاسخ: آری، دو بار در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵. هر بار بازرسان محل‌هایی را انتخاب کردند و ایران همکاری نموده و به آنها اجازه داد از محل مورد درخواستشان بازدید کنند. (بند ۴۱ سند GOV/2005/67).

پرسش ۱۳: آیا آژانس بعد از بازرسی‌های فشرده و شدید از جمله نمونه برداری و تجزیه و تحلیل، هیچ مواد و فعالیت هسته‌ای از جمله غنی سازی در سایت‌های نظامی منجمله پارچین و لویزان- شیان، که ادعا می شد در فعالیت‌های سلاح هسته‌ای دخیل هستند، یافت؟

پاسخ: خیر. در بیانیه مطبوعاتی مورخ ۶ مارس ۲۰۰۶ مدیر کل در مورد ایران، آمده: "*... در مورد شفافیت، فکر میکنم در گزارشم، دسترسی به سایتهای نظامی را متذکر شدم. دسترسی ما به شماری از سایتهای نظامی و اخیرا به پاچین، لویزان، شیان، به تجهیزات دارای کاربرد دوگانه و مصاحبه با افراد فراهم شد. اینها همه فرای پروتکل الحاقی هستند اما برای ما به جهت بازسازی تاریخ برنامه ضروری است*". روز ۱۵ نوامبر مدیر کل گزارش کرد که امکان بازدید آژانس از مجتمع نظامی لویزان- شیان فراهم شد و آژانس نمونه برداری‌های محیطی انجام داد. بالاخره در بند ۱۰۲ گزارش مدیرکل (GOV/2004/83) اظهار شده: "*نمونه برداریهای خاک و سبزیجات از سایت لویزان- شیان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و روشن شد هیچ نشانه‌ای از مواد هسته‌ای وجود ندارد*". اطلاعات بیشتر در سندهای ذیل یافت می شوند: بند ۴۹ سند GOV/2005/67، بند ۱۶ سند GOV/2005/87، بندهای ۳۲ و ۵۵ سند GOV/2006/15، بند ۵۴ سند GOV/2008/4 و بند ۲۸ سند GOV/2008/15.

پرسش ۱۴: آیا محل جدید مورد درخواست آژانس به فعالیت ادعایی بعد از سال ۲۰۰۵ مربوط می گردد؟

پاسخ: خیر. آژانس ادعا می کند که این در ارتباط با فعالیت‌هایی است که ادعا می گردد به ۱۲ سال پیش باز می‌گردد (سال ۲۰۰۰) لیکن آنها اطلاعات را بعدها بدست آوردند. (بند ۵۰ سند GOV/2011/65).

پرسش ۱۵: آیا محل ادعایی در پارچین در ارتباط با وجود سلاح هسته‌ای است؟

پاسخ: خیر. چنین ادعایی از سوی آژانس نشده‌است.

پرسش ۱۶: آیا محل ادعایی در پارچین جهت آزمایش سلاح هسته‌ای مورد استفاده واقع شده‌است؟

پاسخ: خیر. به گزارش مدیر کل GOV/2011/65 مراجعه شود.

پرسش ۱۷: آیا آژانس مطابق با پادمان معاهده عدم اشاعه هسته‌ای، دستورالعملی برای ورود به تحقیق در مورد فعالیت‌های نظامی متعارف دارد؟

پاسخ: خیر. پادمان معاهده عدم اشاعه هسته‌ای (INFCIRC/153 corr.) بر اساس نظام مبتنی بر مواد هسته‌ای قرار دارد و ارتباطی با فعالیت‌های نظامی متعارف ندارد.

پرسش ۱۸: آیا بر اساس معاهده عدم اشاعه هسته‌ای، آژانس هیچ مبنای حقوقی برای درخواست اطلاعات مربوط به موشک را دارد؟

پاسخ: خیر. این فرای دستورالعمل و توانائی‌های بازرسی آژانس همان گونه که در اساسنامه آژانس و پادمان معاهده عدم اشاعه هسته‌ای آمده، می باشد. همچنین بایستی متذکر شد که هیچ معاهده بین المللی در مور منع تولید موشک برای مقاصد دفاعی متعارف وجود ندارد.

پرسش۱۹: آیا کارشناسان رایگان (از کشور خودشان حقوق دریافت می کنند) آژانس که در بخش پادمان آژانس کار می کنند در امور اطلاعات محرمانه دخیل هستند؟ ملیّت آنها چیست؟

پاسخ: بله. اکثراً از ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی هستند.

پرسش۲۰: آیا آژانس در برنامه کار مورد توافق مشترک (INFCIRC/711) اعلام کرده‌است که اضافه بر مسائلی که در سال ۲۰۰۷ فهرست شده هیچ مسأله دیگری باقی نمانده‌است؟

پاسخ: بله. بند چهارم برنامه کار (INFCIRC/711) می گوید: «این مدالیتی همه مسایل باقیمانده را می پوشاند و آژانس تایید کرد که هیچ مسأله باقیمانده دیگر و هیچ ابهامی درباره فعالیتها و برنامه هسته‌ای گذشته ایران باقی نمانده‌است.

پرسش۲۱: آیا آژانس طبق برنامه کار موظف به تحویل اسناد مربوط به «مطالعات ادعایی» به ایران هست؟

پاسخ: بله. بند سوم برنامه کار می نویسد: «آژانس دسترسی به اسناد تحت اختیار خود در خصوص پروژه نمک سبز، آزمایشهای مواد منفجره قوی و موشکهای با قابلیت برگشت را در اختیار ایران قرار خواهد داد.»

پرسش۲۲: آیا آژانس اسناد مربوط به فعالیتهایی که ادعا شده در ایران انجام گردیده‌است به ایران تحویل داده‌است؟

پاسخ: خیر (تا تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲). علی رغم درخواستهای ایران و بیانیه های عدم تعهد و انتقاد مدیر کل سابق آژانس (بند ۲۳ سند GOV/2009/35 و بند ۱۹ سند GOV/2009/55) مبنی بر اینکه ممانعت برخی کشورها از تحویل اسناد ادعایی توسط دبیر خانه آژانس به ایران برای دفاع از خود، موجب به خطر افتادن روند راستی آزمایی می گردد، هیچ سندی به ایران تحویل داده نشد.

پرسش۲۳: آیا مدیر کل با داخل نمودن عبارتی در رویکرد ساختاری در خصوص تحویل اسناد ایران مربوط به فعالیتهایی که ادعا شده در ایران صورت گرفته موافقت نموده‌است؟

پاسخ: خیر (تا تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲)

پرسش۲۴: آیا آژانس اعتبار اطلاعات مربوط به «مطالعات ادعایی» را تایید نموده‌است؟

پاسخ: خیر. لطفا گزارش مدیر کل سابق را به شورای حکام که مسأله اعتبار را مطرح کرده (بند ۱۹ سند GOV/2009/55) قرائت بفرمایید. مدیر کل نیز بروشنی ذکر کرده‌است که هیچ گونه مواد و فعالیت هسته‌ای در «مطالعات ادعایی» دخیل نیست.

پرسش۲۵: مطابق سند INFCIRC/711 درباره «مطالعات ادعایی» وظیفه ایران چه بود؟

پاسخ: بند سوم برنامه کار (INFCIRC/711) که بین ایران و آژانس مذاکره و توافق شد و بعداً از سوی شورای حکام مورد تایید قرار گرفت می گوید: «به نشانه حسن نیت و همکاری با آژانس، ایران به محض تحویل همه اسناد مربوطه آنها را مورد بازبینی قرار می دهد و آژانس را از ارزیابی خود مطلع می سازد.»

پرسش۲۶: آیا ایران طبق برنامه کار (INFCIRC/711) تعهدی در قبال جلسات، مصاحبه، بازرسی یا نمونه برداری در خصوص مطالعات ادعایی داشت؟

پاسخ: خیر. ایران طبق برنامه کار تنها موظف بود ارزیابی خود را به اطلاع برساند. ایران ارزیابی ۱۱۷ صفحه‌ای خود را در سال ۲۰۰۸ ارائه کرد. پس از حدود ۱۰۰ ساعت جلسه مشترک (که ایران موظف به آن نبود) آژانس تعهد خود را برای بستن برنامه کار هنوز اجرا نکرده‌است. در حالی که طبق بند ۴ برنامه کار:

«آژانس و ایران موافقت نمودند که پس از اجرای برنامه کار فوق و مدالیتی توافق شده برای حل مسایل باقیمانده، اجرای پادمان در ایران به صورت عادی انجام خواهد شد.»

لازم به ذکر است که آژانس بجای خاتمه دادن به برنامه کار، ادعاهای جدیدی که همان به اصطلاح «ابعاد نظامی احتمالی» است را مطرح نمود در حالی که در بند چهارم برنامه کار تایید نموده بود که «هیچ مسأله باقیمانده دیگر و هیچ ابهامی درباره فعالیتها و برنامه هسته‌ای گذشته ایران باقی نمانده‌است.»

پرسش۲۷: آیا ایران پروتکل الحاقی را اجرا کرده‌است؟

پاسخ: بله. همان گونه که قبل از سال ۲۰۰۶ در گزارشهای مدیر کل سابق منعکس شده‌است ایران داوطلبانه مواد پروتکل الحاقی را برای مدت ۲/۵ سال اجرا کرده‌است.

پرسش۲۸: آیا ایران کد اصلاحی ۳/۱ ترتیبات فرعی موافقتنامه جامع پادمان را اجرا کرده‌است؟

پاسخ: بله. همانگونه که در گزارش مدیر کل سابق منعکس گردیده‌است ایران کد اصلاحی ۳/۱ ترتیبات فرعی را تا سال ۲۰۰۶ اجرا نموده‌است.

پرسش۲۹: از چه زمانی ایران اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و کد اصلاحی ۳/۱ را تعلیق نموده‌است و چرا؟

پاسخ: مجلس ایران به دلیل ارجاع غیر قانونی و غیر قابل توجیه مساله هسته‌ای فنی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ تعلیق کد اصلاحی ۳/۱ و پروتکل الحاقی داوطلبانه را (پس از ۲/۵ سال اجرای آن) به تصویب رساند. باید توجه داشت که پروتکل الحاقی یک سند الزام آور حقوقی نیست و کد اصلاحی ۳/۱ صرفاً توصیه‌ای از سوی شورای حکام است و نه بخش حقوقی جدایی ناپذیر از موافقتنامه پادمان جامع.

پرسش۳۰: آیا شورای حکـام به نحوی بی طرفـانه با مساله هسته‌ای کشورهای مختلف برخورد می کند؟

پاسخ: خیر. شورای حکام استاندارد دوگانه اجرا می کند. یک نمونه مهم پرونده کره جنوبی است که مخفیانه تا ۷۰ درصد غنی سازی و فرآوری تولید پلوتونیوم می کند. مدیر کل سابق آن را به عنوان موضوعی که موجب نگرانی جدی است اعلام نمود. اما این پرونده به دنبال اعلام کره جنوبی مبنی بر اینکه فعالیتهای اعلام نشده بدون اطلاع حکومت انجام شده بود بسته شد.

پرسش۳۱: آیا مدیر کل مجاز است اطلاعات فعالیتهای هسته‌ای صنعتی و تجاری محرمانه یک کشور را به تفصیل به شورای حکام گزارش کند؟

پاسخ: خیر. طبق پادمان معاهده منع اشاعه هسته‌ای (INFCIRC/153 corr.) مجاز نمی باشد.

پرسش۳۲: آیا اساسنامه آژانس مانع از آن می شود که یک کشور در موضوعات ایمنی هسته‌ای از جمله در نشستها، سمینارها، مباحث کارشناسی، دوره های آموزشی و غیره مشارکت نماید؟

پاسخ: قطعاً خیر. باعث تاسف است که مدیر کل فعلی جانب این قضیه را گرفته و از مشارکت کارشناسان ایرانی در فعالیتهای مربوط به ایمنی که آژانس یا کشورهای عضو میزبان آن هستند جلوگیری می کند.

پرسش۳۳: وضعیت اجرای پادمان در تاسیسات هسته‌ای ایران چیست؟

پاسخ: در گزارش اجرای پادمان آژانس در سال ۲۰۱۱ آمده‌است که: «... دبیرخانه به این نتیجه رسیده‌است که برای سال ۲۰۱۱ مواد هسته‌ای اعلام شده در ایران در حیطه فعالیتهای صلح آمیز باقی مانده‌است. ...» و ذکر شده که تنها در سال ۲۰۱۱، ۱۶۷ بازرسی از ۱۶ مورد تاسیسات با ۸۸۲ روز/نفر در محل انجام گرفته‌است. علاوه بر آن ۱۶۰۲ گزارش حسابرسی بدون تاخیر به آژانس ارسال شده‌است. (بازگشت به سند (GOV/2012/18,2 May 2012).

پرسش۳۴: چرا ایران قطعنامه های شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل متحد را غیر قانونی می داند؟

پاسخ: لااقل ۵ دلیل حقوقی وجود دارد که این قطعنامه ها غیر قانونی هستند:

الف ـ طبق ماده 12C اساسنامه آژانس: اگر بازرسان «عدم پایبندی» را تشخیص دهند باید به مدیر کل گزارش دهند سپس مدیر کل باید آن را به شورای حکام گزارش کند. سپس شورا آن را به کشورهای عضو و شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش می کند. در مورد ایران هرگز چنین رویه‌ای دنبال نشد. تعدادی از اعضای شورای حکام پس از گذشت حدود سه سال از طرح این مساله در شورا از سال ۲۰۰۳ ادعا کردند که «عدم پایبندی» قبل از سال ۲۰۰۳ وجود داشته‌است. اما مدیر کل عبارت حقوقی «عدم پایبندی» را بکار نبرد بلکه از کلمه قصور استفاده کرد چنانکه در مورد سایر کشورهایی که موافقتنامه پادمان جامع را اجرا می کنند بکار می رود. طبق این موافقتنامه پس از اقدامات اصلاحی مسایل بسته خواهد شد. مدیر کل سابق بوضوح همه اقدامات اصلاحی ایران را گزارش کرد.

ب ـ ماده 12C که قطعنامه های شورای حکام به آن اشاره می کنند درباره «کشورهای عضو پذیرنده» که از مواد هسته‌ای دریافت شده از آژانس سوء استفاده کرده‌اند صحبت می کند. ایران هرگز مواد هسته‌ای که در مواد مربوطه اساسنامه به آن اشاره شده دریافت نکرده‌است.

ج ـ مطابق اساسنامه و موافقتنامه پادمان جامع: اگر آژانس دریابد که مواد هسته ای برای اهداف نظامی انحراف پیدا کرده‌اند باید شورای امنیت را از آن مطلع سازد. همه گزارشهای مدیر کل سابق و فعلی اعلام کرده‌اند که هیچ مدرکی دال بر انحراف مواد هسته‌ای وجود ندارد.

د ـ طبق موافقتنامه پادمان جامع: اگر یک کشور عضو مانع ورود بازرسان به کشور شود و بر این اساس آژانس نتواند فعالیتهای راستی آزمایی خود را انجام دهد آنگاه شورای امنیت را باید از آن مطلع سازد. همه گزارشهای مدیر کل از سال ۲۰۰۳ بروشنی اعلام می کنند که آژانس قادر به ادامه راستی آزمایی در ایران می باشد.

هـ ـ قطعنامه های سه کشور اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۶ تعلیق غنی سازی از سوی ایران را به عنوان یک اقدام غیر الزام آور حقوقی ، داوطلبانه و اعتماد ساز به رسیمت شناختند. بنابراین قطعنامه شورای حکام برای ارجاع مساله هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد بعد از اینکه ایران تصمیم گرفت تعلیق داوطلبانه فعالیتهای UCF را متوقف سازد صد در صد مغـایر با قطعنـامه قبـلی خود آن بود. شایـان ذکر است که وقتی سه کشور اتحـادیه اروپا با انگیزه های سیاسی قطعنامه هایی را در سال ۲۰۰۶ در شورای حکام علیه ایران پیشنهاد دادند تا شورای امنیت را در مساله فنی متعلق به آژانس دخیل نمایند فعالیتهای غنی سازی در نطنز داوطلبانه تعلیق شده بود.

پرسش۳۵: از سال ۲۰۰۳ چند نفر/ روز بازرسی در ایران انجام شد؟

پاسخ: تاکنون (نوامبر ۲۰۱۲) حدود ۷۵۰۰ نفر/روز بازرسی انجام شده‌است.

پرسش۳۶: آیا آژانس قادر است بازرسیهای اعلام نشده در ایران اجرا نماید؟

پاسخ: بله. ایران با مقررات اجرای بازرسیهای اعلام نشده‌اژانس از تاسیسات هسته‌ای خود موافقت نموده‌است. تاکنون (نوامبر ۲۰۱۲) آژانس بیش از ۱۰۰ بار بازرسیهای اعلام نشده که ۲ ساعت قبل از بازرسی آن را اطلاع داده اجرا کرده‌است.

پرسش۳۷: آیا حمله یا تهدید به حمله به تاسیسات هسته‌ای ممنوع است؟

پاسخ: بله. طبق قطعنامه ۵۳۳ سال ۱۹۹۰ کنفرانس عمومی، هر گونه حمله یا تهدید به حمله علیه تاسیسات هسته‌ای در طول عملیات یا ساخت، نقض منشور سازمان ملل متحد، اساسنامه آژآنس و حقوق بین الملل شمرده می شود و شورای امنیت سازمان ملل باید فوراً در این مورد وارد عمل شود. کنفرانس عمومی در سال ۲۰۰۹ به اتفاق قطعنامه مزبور را تصویب نمود.

پرسش۳۸: آیا آژانس، شورای حکام یا شورای امنیت سازمان ملل تهدید دائم به حمله از سوی رژیم اسرائیل علیه تاسیسات صلح آمیز هسته‌ای ایران را محکوم کردند؟

پاسخ: خیر. متاسفانه هیچیک از آنها به قطعنامه ۵۳۳ سال ۱۹۹۰ پایبند نبودند.

پرسش۳۹: آیا حمله نظامی می تواند غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد؟

پاسخ: خیر. ایران در فن آوری غنی سازی که همه اجزاء ماشینهای سانتریفیوژ را تولید می کند مستقل است. بنابراین براحتی می تواند تاسیسات خسارت دیده را جایگزین کند.

پرسش۴۰: حمله نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران چه عواقب قابل پیش بینی دارد؟

پاسخ: غیر از واکنش قوی علیه متجاوز در مورد فعالیتهای هسته‌ای باید بگوییم که توقع معمول این است که دولت با فشار شدیدی برای نصب سانتریفیوژ ها در مناطق امن تر مواجه خواهد شد. از سوی دیگر امکان دارد مجلس، دولت را مجبور کند که بازرسیهای آژانس را متوقف سازد و یا حتی در یک سناریوی بدتر از معاهده عدم گسترش سلاح های هسته‌ای (NPT) خارج شود.

پرسش۴۱: هدف استفاده از اورانیوم ۲۰ درصد غنی سازی شده چیست؟

پاسخ: برای سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران و نیز برای رآکتورهای تحقیقاتی آب سبک دیگر در آینده.

پرسش۴۲: چرا ایران تصمیم گرفت اورانیوم را تا ۲۰ درصد غنی سازی کند و چه وقت این کار شروع شد؟

پاسخ: از آنجا که سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران برای تولید ایزوتوپهای رادیودارویی رو به اتمام است، ایران در سال ۲۰۰۸ از آژانس درخواست کرد تا برای دریافت این سوخت از طریق عرضه کنندگان احتمالی کمک نماید. پس از مذاکرات بی حاصل و طولانی و از آنجا که بیماران نمی توانند برای تصمیمات سیاسی منتظر بمانند ایران تصمیم گرفت، خود به طور بومی سوخت رآکتور تحقیقاتی را در فوریه ۲۰۱۰ تولید نماید که تحت نظارت پادمان آژانس قرار دارد.

پرسش۴۳: آیا ایران تلاش کرده‌است سوخت ۲۰ درصد غنی سازی شده برای رآکتور تحقیقاتی تهران را از عرضه کنندگان بالقوه تهیه نماید؟

پاسخ: بله. ایران در ماه ژوئن ۲۰۰۸ درخواست خود را از طریق آژانس به کشورهای عرضه کننده ارسال کرد ولی هیچ پاسخ مثبتی دریافت نکرد.

پرسش۴۴: آیا ایران در سال ۲۰۰۹ با درخواست سایر طرفهای مذاکره موافقت نمود مبنی بر اینکه اورانیوم با غنای پایین (تقریباً ۳/۵ درصد) را با سوخت ۲۰ درصدی که توسط روسیه از طریق فرانسه به ایران داده شود مبادله نماید؟

پاسخ: بله.

پرسش۴۵: آیا ایران بر اساس بیانیه تهران (ابتکار برزیل و ترکیه) رسما آمادگی خود را برای معاوضه ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیم ۳/۵ درصد غنی سازی شده جهت انتقال به ترکیه و دریافت سوخت ۲۰ درصد غنی سازی شده به آژانس اعلام کرده‌است؟ واکنش کشورهای غربی به چنین مصالحه‌ای چه بود؟

پاسخ: بله. یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد (به شماره ۱۱۱۱) در این مورد تصویب شد (که برزیل و ترکیه علیه‌ان رای دادند.)

پرسش۴۶: چرا ایران تولید غنی سازی ۲۰ درصد را ادامه می دهد؟

پاسخ: برای اینکه سوخت لازم را برای رآکتور تحقیقاتی تهران برای حد اقل یک دهه تامین نماید.

پرسش۴۷: ابراز نگرانی شده‌است که پس از تبدیل اورانیوم ۲۰ درصد غنی سازی شده به اکسید، ایران ممکن است آن را به شکل گاز تبدیل کند و غنی سازی را افزایش دهد. آیا این نگرانی از لحاظ فنی قابل توجه‌است؟

پاسخ: خیر. فرآیند لازم شیمیایی از لحاظ فنی خیلی پیچیده تر است و با توجه به توانمندیهای موجود غنی سازی ۲۰ درصدی ، بازتولید UF6 با غنای ۲۰ درصد از لحاظ اقتصادی نیز قابل توجیه نیست.

پرسش۴۸: آیا تحریمهای غرب در توقف یا کاهش فعالیتهای غنی سازی در ایران موثر بوده‌است؟

پاسخ: خیر. گزارشهای مدیر کل ثابت می کند که در فعالیتهای غنی سازی از جمله تعداد نصب ماشینهای سانتریفیوژ پیوسته پیشرفت وجود داشته‌است. بنابراین تحریمهای غرب هیچ تاثیری بر فعالیتهای غنی سازی نداشته‌است. اما تحریمهای غرب بیماران ایرانی را که اکثراً با سرطان دست به گریبان هستند هدف گرفته‌است.

پرسش۴۹: آیا اکثریت شورای حکام رویکرد سیاسی دارند؟

پاسخ: بله. آنها رویکرد متفاوت خود را در خصوص کشوری مانند ایران که عضو معاهده منع اشاعه هسته‌ای است و پادمان جامع در مورد تمام تاسیسات هسته‌ای آن که تحت نظارت دائم است اجرا می شود نشان داده‌اند در حالی که رژیم اسرائیل عضو معاهده عدم گسترش سلاح های هسته‌ای نیست و سلاح هسته‌ای هم دارد و اجازه نمی دهد بازرسان آژانس به بازرسی اقدام کنند و تاسیسات هسته‌ای ایران را تهدید به حمله می کند و در واقع قبلا نیز به تاسیسات عراق حمله کرده‌است. متاسفانه این موضوع به دلیل اختیارات و ساختار نا متوازن و غیر عادلانه شورای حکام است.

پرسش۵۰: سئوال از مردم صلح دوست: بر اساس واقعیات فوق آیا ما باید به آژانس که تنها سازمان بین المللی فنی موظف به ارتقای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برای صلح و سعادت همه در جهان است اجازه دهیم که باز هم ابزار دست تعدادی از کشورهایی قرار بگیرد که هدفشان تبدیل آن به یک سازمان نگهبان سازمان ملل همچون یک ارگان فرعی شورای امنیت سازمان ملل متحد است و کشورهای در حال توسعه را از «حق مسلم» استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای چنانکه در اسانامه آژانس درج شده‌است محروم نمایند؟

پاسخهای مستقیم به آمریکا و اتحادیه اروپا

در آستانه دور بعدی مذاکرات که محیطی آرام برای موفقیت آن ضروری است نماینده آمریکا لحن تهدید به کار برد مبنی بر اینکه موضوع به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع خواهد شد. اتحادیه اروپا نیز از آمریکا پیروی کرد و لحن خصمانه مشابهی را به کار گرفت. این بسیار نا امید کننده است. چاره ای جز عمل متقابل ندارم. از آنها می خواهم که با سخنرانی های ناپخته و تحریک کننده، وضعیت را خرابتر نکنند. چرا آمریکا و برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا از گذشته عبرت نمی گیرند که ملت بزرگ ایران در طول قرنها تمدنش تسلیم فشار نگشته است. من احساس شکست و سرخوردگی آنها را درک می کنم. از همین روی گفتم ما آماده هستیم به آنها برای یافتن یک راه حل آبرومندانه کمک کنیم. گفتگو به شکل متمدنانه تنها راه حل است. بنا بر این به آنها توصیه می کنم ازمیدان جنگ به میز مذاکره مراجعت کنند زیرا در غیر انی صورت اطمینان می دهم آنها بازنده خواهند بود. سوء محاسبات آنها را در مورد پیروزی انقلاب اسلامی، شکست ایران با تشویق و حمایت صدام، مجبور کردن ایران به تعلیق غنی سازی و استفاده ابزاری از شورای امنیت سازمان ملل یاد آوری می کنم. همه اینها ثابت می کند که آنان باید در رفتار و رویکرد خود تجدید نظر کنند و رفتار سازنده تری داشته باشند.